

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۱۶ آبان ۹۲

خطبه‌ی شب چهارم

سلام بر آغاز کننده‌ی جنبش آفرینش تا جنبندگان نام خویش را در سایه‌ی رحمتش بیابند آنگاه به خود بنگرند و به جلالت خالقشان اعتراف کنند و به دامن کبریایی‌اش دست تضرع دراز کنند تا روزی آنچه برایشان مقدر گردیده را نه به‌عنوان جبر بلکه با عشقی بپذیرند که در فطرتشان به دنبالش در حرکت بودند که لازمه‌ی آن هجرت است یعنی جا گذاشتن و گسستن از همه‌ی تعلقات با تمام وجود برای رسیدن به جایگاهی که باید یقین و باور داشته باشند که آغوشی گرم منتظر است تا آنان را مورد لطف و نوازش قرار دهد که خداوند رحیم در قرآن کریم فرموده: آن کس که در راه خدا مهاجرت کند، در روی زمین بر خورداری‌های بسیار و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس که از خانه‌ی خویش بیرون آید تا به‌سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد مزدش بر عهده‌ی خداست و خدا آمرزنده و مهربان است.

مهاجران تاریخ عاشقانه و مستانه به‌سوی خالق خود هجرت کردند و در این راه هیچ ندیدند و نشنیدند، برای آن‌ها هر چقدر راه سخت‌تر و مشکل‌تر می‌شد اشتیاق و لذت رسیدن برایشان شیرین‌تر و گواراتر بود که معنای این عشق در وصف کلمات نمی‌گنجد و در حصاری محدود نمی‌شود؛ گستردگی‌اش در تحلیل عقل در زمان و مکان قرار نمی‌گیرد هرچه هست رسیدن به رضای الهی است. سردمداران مهاجران عشاق تاریخ، پیامبر گرامی اسلام و اهل‌بیتش، یاران و پیروانشان بودند که ما در این شب‌ها به سوز عشق یکی از آن‌ها اباعبدالله الحسین (ع) می‌سوزیم و آرزو می‌کنیم که ای کاش همراه و در کنارش بودیم تا همچون یارانش رمز و راز عاشقی را می‌آموختیم و چه زیبا افتخار و آبروی عشاق، قمر منیر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل العباس آن را برایمان فاش فرمودند که: عشق، تفسیری جز عمل ندارد.

این فرموده، رسم دلدادگی است؛ باید که عشق را با عمل اثبات کرد نه با حرف و فریاد؛ خداوند تبارک و تعالی انسان را آفرید و محبت و رحمتش را نسبت به او با امر به سجده درآمدن همه‌ی مخلوقات در برابرش به او نشان داد و ابلیس را به خاطر نافرمانی، از خود دور کرد.

با خود اندیشه کنیم که تا چه اندازه خواسته‌ها و دل‌بستگی‌هایمان را برای رضای الهی از خود دور کردیم و یا مدعی هستیم که از عاشقان منتظران امام عصرمان هستیم، به چند مورد از سفارشات نجات‌بخش ایشان برای خشنودی‌اش و رستگاری خود عمل کردیم؟ پس تا دیر نشده در این دهه‌ی محرم، از نهضت عاشورا عبرت بگیریم.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولایمان امام عصر و زمان (عج) خطبه‌ی امشب را می‌خوانیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب چهارم

الم؛

سلام بر جوانمردان سوره‌ی مبارکه‌ی کهف؛ همانانی که عشق به توحید را معنا کردند و راه و رسم بندگی و اطاعت را آموختند؛ چهره‌ی منورشان به قالب وحی منتقل شد تا خصوصیاتشان را پروردگار عالم معرفی فرماید و چه با شکوه است نامی که خداوند یکتا برگزید و آنان را جوانمرد معرفی فرمود درحالی‌که هر کدام دارای نام و منصبی بودند و همگان در زیر فرمانشان. چه رمزی در این شیفتگی است که هجرت را برمی‌گزینند؟ آیا اکنون عقلی توان درک این گریز را دارد؟ فراری متبرک به‌سوی خالق که وعده فرموده مهاجرین به‌سوی خود را حمایت می‌کند و امشب به دیدار یکی از آن جوانمردان می‌رویم تا زبانش را از کام زمان بیرون آوریم و با شیرینی کلامش همراه شویم. او افسری جوان، برومند و بسیار شیرین سخن است و سخن خویش را این‌گونه آغاز می‌کند: وقتی وارد غار شدیم در ظلمت آن دستان یکدیگر را گرفتیم و به صدایی که در غار می‌پیچید فریاد زدیم: ای فریادرس فریاد خواهان به‌سوی تو گریخته‌ایم پس

ما را از چنگال کفر به دامن ایمان پناه ده تا سپاسگزار کرمی واسع باشیم. ظلمت غار به نوری متبرک از میان رفت و ندایی در آن طنین‌انداز شد: ای جوانمردان آسوده باشید؛ عزتتان استوار خواهد بود و هرگز دست کفر در دوران‌ها به شما نخواهد رسید و شما در پناه پروردگار یکتا خواهید بود پس آسوده بخوابید و هرآسی به دل راه ندهید و آنان خوابیدند با لذتی که وصف آن لذت را حضرت اباعبدالله (ع) در شب عاشورا فرموده که: یاران من این آخرین شبی است که در بستر می‌آسایید و فردا شب، بسترتان وعده‌ی پروردگار کریم است پس شیرینی این شب زیبا را در زمان جاودانه کنید تا همگان به آن بیندیشند و جز عشق را نشناسند. پس محرم مدال حق را بر سینه دارد مدالی که هزاران رمز و راز عاشقی را معنا می‌کند و هزاران زبان نهفته‌ی تاریخ را از کام خویش خارج می‌سازد تا عقل‌هایی را با خود همراه کند که از باطل به طرف حق گریخته‌اند و جانشان را از ورطه‌ی نابودی باطل نجات بخشیده‌اند و اکنون ما شاهدان زنده‌ی قرآن کریم، آیات دلدادگی را تلاوت می‌کنیم؛ جوانمردان خوابیدند، ۳۰۰ سال در پناه پروردگار عالم در خوابی شیرین رحمت را تجربه کردند و آنگاه که برخاستند جلوه‌ی حق را مشاهده کردند و باز دستان یکدیگر را گرفتند و عرضه داشتند: بار الها، آرزوی ما دیدن جلوه‌ی توحید بود و اینک به آنچه به سویش آمده بودیم رسیدیم پس ما را دریاب که تشنه‌ی همان خواب شیرین هستیم و آنان رفتند درحالی‌که همگان چهره‌ی منورشان را مشاهده نمودند و ما سال‌ها به هدف محرم اندیشیده‌ایم؛ آنان که با مولای ما حسین ماندند نامشان شهید است این نام را پروردگارمان برگزیده است همانند نام جوانمردان، پس معنای این نام چیست؟ رمز و رازش را فرموده‌اند: شهیدان زنده هستند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می‌خورند؛ معنای این سخن در کدام رمز نهفته است؟ آیا قلم توان نگاشتن آن را دارد؟ هرگز! توانی جز مدد خواستن از پیشگاه پروردگار عالم قادر نخواهد بود تا آن را توصیف کند پس برای درکش به مولایمان متوسل می‌شویم و همانند شب‌های گذشته فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج